



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Introduction and study of stylistics of the manuscript of Bostan Al-Arefin and Golestan Al-Abedin from Zinal Abedin Shirvani

E. Jani¹, M. Mahmoudi^{1*}, P. Davari¹, H. Aghahossaini²

1- Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 13 June 2020

Reviewed: 16 July 2020

Revised: 02 August 2020

Accepted: 16 September 2020

KEYWORDS

Zain Al-Abedin Shirvani,
Bostan Al-Arifin and Golestan
Al-Abedin, Manuscript, stylistics.

*Corresponding Author

✉ m.mahmoodi75@yahoo.com

☎ (+98 31) 53337922

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: The surviving manuscripts of the past are the precious ethnic, national heritage and cultural identity of nations and can provide extensive information about the behavior, thought, intellectual and linguistic structure of writers and poets of the past and add to current human consciousness. The manuscript of Bostan al-Arifin and Golestan al-Abedin by Zina al-Abedin Shirvani is one of the authors of the ninth century AH in the Timurid era. The book is written in an introduction and three chapters, each of which consists of several chapters.

METHODOLOGY: This research is a documentary, library and descriptive method with the aim of introducing this manuscript and examines the structure and some of its stylistic and content features.

FINDINGS: The study of the manuscript shows that the mentioned work has a mystical and theological content and content and pays more attention to Rumi's Masnavi, but in terms of structure, division, arrangement and method of arrangement, similarity in naming, as well as combining prose and prose and expression in the form of anecdote. It is similar to Saadi Golestan. Zayn al-'Abidin was aware of the circumstances and sayings of some of the former ascetics, mystics and theologians, and in the heart of the anecdotes he referred to some instructive speeches, aspects of their lives and behavior. The author has added to the literary value of the work by quoting the verses that are his own poems and marking them with the mention of "the author".

CONCLUSION: Bostan al-Arifin and Golestan al-Abedin are formed with measured, pleasant, and melodic expressions. In the first chapter, due to the variety of ten chapters, the types of rhyme and simile, and especially the eloquent simile, have a high frequency, but in the other two chapters, the use of literary industries has slightly diminished.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.14.5247](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.14.5247)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 15	 2	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

معرفی و بررسی سبک‌شناسی نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین زین‌العابدین شیروانی

ابراهیم جانی^۱، مریم محمودی^{۱*}، پریسا داوری^۱، حسین آقاحسینی^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: نسخ خطی برجای‌مانده از زمانهای گذشته، میراث گرانبهای قومی، ملی و شناسنامه فرهنگی ملت‌هاست و میتواند اطلاعات گسترده‌ای در باب سلوک، اندیشه، ساختار فکری و زبانی نویسندگان و شاعران گذشته بدست دهد و بر آگاهی بشر کنونی بیفزاید. نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین اثر زین‌العابدین شیروانی از نویسندگان قرن نهم هجری قمری در عهد تیموری است. این کتاب در یک مقدمه و سه باب، که هر باب خود شامل چندین فصل میشود، بنگارش درآمده است.

روش مطالعه: این پژوهش به روش اسنادی، کتابخانه‌ای و توصیفی و با هدف معرفی این نسخه خطی فراهم آمده و به بررسی ساختار و برخی از ویژگیهای سبکی و محتوایی آن میپردازد.

یافته‌ها: بررسی نسخه نشان میدهد اثر مذکور مضمون و محتوایی عرفانی و حکمی دارد و بیشتر متوجه مثنوی مولاناست، اما بلحاظ ساختار، بخش‌بندی، تبویب و شیوه تنظیم، شباهت در نامگذاری، همچنین تلفیق نظم و نثر و بیان مطالب در قالب حکایت، شبیه گلستان سعدی است. زین‌العابدین از احوال و اقوال برخی از زهاد، عرفا و متکلمین پیشین آگاهی داشته و در دل حکایات به برخی از گفتارهای پندآموز، زوایای زندگی و سلوک آنها اشاره کرده است. مؤلف با آوردن ابیاتی که سروده خود اوست و آنها را با ذکر «لمؤلفه» شاخص کرده، بر ارزش ادبی اثر افزوده است.

نتیجه‌گیری: بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین با عبارات سنجیده، دلنشین، و آهنگین شکل گرفته و غالب نثر کتاب ساده و روان است و ویژگیهای نثر مرسل در آن دیده میشود. در باب نخست با توجه به تنوع فصول دهگانه، انواع سجع و تشبیه و بویژه تشبیه بلیغ، بسامد بالایی دارد، اما در دو باب دیگر کاربرد صناعات ادبی اندکی کم‌رنگتر شده است.

تاریخ دریافت: ۲۴ خرداد ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۶ تیر ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۲ مرداد ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۲۶ شهریور ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

زین‌العابدین شیروانی،
بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین،
نسخه خطی، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

✉ m.mahmoodi75@yahoo.com

☎ ۵۳۳۳۷۹۲۲ (۹۸۳۱)

مقدمه

آثار سعدی، بویژه گلستان، مورد توجه بسیاری از نویسندگان و شاعران قرار گرفته است. بیشتر مقلدان سعدی به ساختار گلستان بویژه تلفیق نظم و نثر توجه داشته‌اند. بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین تقلیدی آشکار از گلستان سعدی است و همچون گلستان، با حکایات پندآموز و آمیزه‌ای از نثر و نظم نگارش یافته است. بین این کتاب و گلستان شباهتهایی وجود دارد که مصداقهایی از آن ذکر خواهد شد. نویسنده تحت تأثیر افکار عارفانه مولانا نیز بوده، به همین دلیل درونمایه اثرش را عرفانی و حکمی همچون مثنوی قرار داده است. غالب نثر کتاب مسجع اما به دور از دشواریهای لفظی است. مؤلف از آیات و احادیث در ضمن سخنش به شیوه درج بهره برده است. نویسندگان در این پژوهش بر آنند ضمن معرفی یکی از نسخ خطی قرن نهم هجری یعنی «بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین» اثر زین‌العابدین شیروانی، به برخی شباهتها و اثرپذیریهای این کتاب از گلستان سعدی و مثنوی مولانا اشاره و همچنین ویژگیهای محتوایی، ساختاری و سبکی آن را تبیین نمایند. برای پرهیز از تکرار، در ارجاعات درون‌متنی، به ذکر صفحه نسخه در بین کمانک بسنده شده است.

ضرورت و سابقه پژوهش

نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین تاکنون تصحیح نشده و پژوهشی در معرفی این اثر و مؤلف آن صورت نگرفته است. نسخه‌های خطی بعنوان میراث گرانبهای ادبی، فرهنگی و علمی ملت‌ها همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ آثاری که میتواند ما را با گذشته ادبی و تحولات زبانی سرزمینمان بیش از پیش آشنا کند. یکی از این آثار کهن، نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین است که سرشار از مضامین تعلیمی و عرفانی است و تا کنون ناشناخته مانده است؛ بنابراین برای پی بردن به آنچه از فکر و قلم نویسنده تراوش کرده معرفی و بررسی این اثر اهمیت و ضرورت دارد.

بحث و بررسی

معرفی نسخه

این نسخه منحصر بفرد با شماره ثبت ۴۹۳۱/۱ در بخش نسخ خطی کتابخانه آستان قدس رضوی متعلق به مرحوم ملک نگهداری میشود که در ۱۸۰ صفحه و هر صفحه شامل ۱۷ سطر به خط نستعلیق نگارش یافته است. مؤلف برای نگارش متن از مرکب سیاه و در ذکر سرفصلها، آیات، روایات، اسامی اشخاص، حرکت‌گذاری آیات، اشاره به نوع قالب اشعار و فصل‌بندیها از سنگرف استفاده کرده است. نوع کاغذ نسخه فستقی و جلد آن میشن یک لای مشکی است. کتاب در برخی صفحات دارای حاشیه‌نویسی است که نویسنده هر جا نکته‌ای را از قلم انداخته، در هامش آورده است.

مؤلف در مقدمه اثر به پیشه‌اش که نویسندگی بوده و به تذهیب و تجلید آثار میپرداخته اشاره کرده است و سودای تزئین کتب آسمانی را در سر میپرورانده است و میخواست آنچه از غیب بدان اشاره شده، در آثار خود آشکار سازد. «روز جهت تحصیل مؤونت عیال و کسب معیشت اطفال و تدارک ادای دیوان که از هر جفای دهر دون متراکم شده بود، به اکتساب انواع صنایع که واهب‌البدایع از کتابت و تذهیب و تجلید ارزانی فرموده بود، صرف مینمودم و زمانی در صحرای سودایی ترتیب تزئین مجلدات کتب آسمانی و صُحف یزدانی اوهام و افهام را مشتغل میساختم

تا به نوک قلم از روی مهارت و جلدی بر صفحه جلد انواع امثال و نقوش عجیبه و اشکال و صور غریبه از مَکَمَن غیب به ظهور می‌آوردم» (بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین: ص ۱۰).

وی در بیان علت عنوان و شأن نامگذاری کتاب آورده، هنگام نگارش کتاب و پایان آن در فصل بهار و همه‌جا از سبزه و گل پوشیده بوده، نام کتابش را «بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین» گذاشته است. زین‌العابدین کتابش را به دو سلطان عهد تیموری که از نوادگان و فرزندان تیمور و از ممدوحان او بوده، تقدیم کرده است. «سلطان-السلطاین، مغیث‌الاسلام... سلطان خلیل‌الله جَعَلَ اللهُ، کَنَفَهُ لاولیائِهِ حِرْزاً حَرِیزاً و نُصْرَةً عَلَی اَعْدَائِهِ نَصْرًا عَزِیزاً (همان: ص ۶) «حضرت شاهزاده جهان، باسط بساط امن و امان،... امیرشیرانشاه فرخ یسار، جَعَلَ اللهُ مَقْرُونَةً بِالنَّصْرِ و الطَّفَرِ» (همان: ص ۷). «ان‌شاءالله تعالی که پسندیده عین عنایت حضرتین خَلَدَتْ سُلْطَنَتَهُمَا و مقبول نظر فقرا و صلحا گردد» (همان: ص ۱۲).

نویسنده در پایان بصراحت، تاریخ نگارش نسخه را که به دست مؤلف نوشته شده، ۸۷۹ هجری قمری ذکر کرده است «... فَرَعَ مِنْ تَحْرِیرِهِ تَذْهِیبِهِ و تَجْلِیدِهِ عَاشَرَ شَهْرِ رَمَضَانَ الْمُبَارَکِ سَنَةِ ۸۷۹ عَلَی یَدِ مَوْلَاهُ غَفَرَ اللهُ لَهُ در سَنَةِ اِثْنِی و سِتِّینِ فِی ثَمَانِیَةِ تَأْلِیْفِ شَد» (همان: ص ۱۷۸).

ساختار کلی نسخه

کتاب شامل یک دیباچه، سه باب و یکصد حکایت است که باب اول، ده فصل و پنجاه حکایت؛ باب دوم، پنج فصل و سی و پنج حکایت؛ باب سوم حاوی دو فصل مجزاست. معمولاً هر فصل با یک شعر از مثنوی و یا حکایتی منثور آغاز میشود. نویسنده در نگارش این اثر، در ساختار به گلستان سعدی و در محتوا به مثنوی مولانا نظر داشته است. در اینجا به مصداق‌هایی از این اثرپذیری اشاره میشود.

کاربرد ابیات مثنوی در نسخه

مثنوی یکی از کاملترین آثار منظوم عرفانی در ادب فارسی است. محتوای آن حکایات منظومی است که مولانا از آنها نتایج دینی و عارفانه میگیرد و حقایق را به زبان ساده و از راه تمثیل بیان میکند. مولانا در مثنوی خود از حیث رسایی مقصود، اتفاق مطالب، لطافت معنی، باریکی اندیشه، صفا و پختگی فکر عرفانی داد سخن داده است. همین ویژگی‌های برجسته، توجه بسیاری از نویسندگان و شاعران را به شیوه نگارش او در مثنوی جلب کرده است؛ از جمله: زین‌العابدین در بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین که به روش‌های مختلف از مثنوی بهره جسته است. وی در آغاز نسخه اشاره دارد با مثنوی آشنا بوده، آن را مطالعه کرده و بر موضوعات آن اشراف داشته و برای نتیجه‌گیری از حکایات خود، به ابیات مثنوی استناد کرده است. حکایتها در نسخه، نمونه‌ای از ادبیات داستانی در متون نثر فارسی است که اندیشه‌ها و آموزه‌های عرفانی در قالب حکایت طرح میشود. قصه و داستان در این اثر ظرف یا پیمانه‌ای برای انتقال معنی و مفهوم به مخاطب است. هدف از آوردن حکایتها، تبیین مفاهیم عرفانی، معرفی شخصیت‌های بزرگ و سلوک آنها، تقویت باورهای مریدان و... است. مؤلف گاهی از دفترهای ششگانه مثنوی ابیاتی در پایان یا خلال یک متن برای القای نکات حکمی و اخلاقی به خواننده بیان کرده که مضامین و مفاهیم حکایات کتاب را کامل میکند و درک پیام و نکات پندآموز را برای مخاطب آسان میسازد. از جمله در حکایت زیر که چهار بیت نخست از دفتر اول و بیت پایانی از دفتر دوم مثنوی ذکر شده است.

عبدالله عباس میگوید: «اگر بنده چندان رکوع کند که پشت او چون کمان خم گردد، به وحدانیت حضرت عزت که هیچ سود ندارد تا تفرقه میان حلال و حرام نکند و لقمه خود را پاک نسازد؛ «مثنوی»:

لقمه‌ای کما نور افزود و کمال	آن بود آورده از کسب حلال
علم و حکمت زاید از لقمه حلال	عشق و رأفت آید از لقمه حلال
چون ز لقمه تو حسد بینی و دام	جهل و غفلت زاید آن را دان حرام
هیچ گندم کاری و جو بردهد	دیده‌ای اسپه که کره خر دهد
بر دل خود کم نه اندیشه معاش	عیش کم ناید تو بر درگاه باش (همان: ص ۴۷)

تأثیرپذیری در عناوین و موضوعات

بخشی از عنوان کتاب متأثر از مولانا و طریقت عرفان و علاقه مؤلف به مباحث عرفانی است. زین‌العابدین ابواب سه‌گانه کتاب خود را تحت تأثیر مثنوی چنین معرفی میکند «و ترتیب این کتاب بر سه باب و یکصد حکایت نهاده‌اند» (همان: ص ۱۳).

«الباب الاول و هی عشره فصول و خمسين حکایه»

الفصل ۱: فی التوبه و فوایدھا	الفصل ۲: فی کثره الطاعه و فوایدھا
الفصل ۳: فی التوکل و فوایدھا	الفصل ۴: فی الطلب الحلال
الفصل ۵: فی ریاضه النفس و القناعه	الفصل ۶: فی کثره البكاء عن خشية الله تعالى
الفصل ۷: فی اخلاص عند الدعاء و اجابتهھا	الفصل ۸: فی الجلم و العفو و مکارم الاخلاق
الفصل ۹: فی السخاء و مدمه البخلاء	الفصل ۱۰: فی ضناء باطن و معرفه ضمیر الباطن

الباب الثاني: مُشتملٌ على خمسة فصولٍ و هي خمسٌ و ثلاثين حکایه:

الفصل ۱: فی الحاله العجيبه عن الاولیاء	الفصل ۲: فی الصبر عند البلاء و نجاتها
الفصل ۳: فی الرؤیه المنام الصلحا بعد موت	الفصل ۴: فی کرامات الاولیاء
الفصل ۵: فی الزهد الأمراء و عقه النساء	

الباب الثالث: مشتمل على الفصلین:

الفصل ۱: فی الحکایه المتفرقه الفصل ۲: فی خاتمه الكتاب و ذکر کرامات الدوله السلطنیه» (همان: ص ۱۵).

تأثیرپذیری در محتوای حکایات

نویسنده در کاربرد اشعار، امثال و جمله‌های فارسی و عربی با مهارت و ظرافت خاصی عمل کرده و هرگاه در متن اثرش از ابیات مثنوی بهره برده، آن را با ذکر «مثنوی» مشخص کرده است. اغلب حکایات با مضامینی عرفانی و گاه در قالب تمثیل بیان شده است.

«حکایت: سعید جبیر را پرسیدند که نماز بامداد چگونه کردی؟ گفت: با پنج غم. یکی آنکه حق تعالی از من طاعت خواهد. حضرت رسالت، سنت و نفس، شهوت و شیطان، معصیت و ملک‌الموت، جان، طاعت و سنت را به قدر طاقت توان از عهده بیرون آمدن و جان به جانان آسان توان دادن وقتی که نفس و شیطان را توان مقهور گردانیدن. لمؤلفه فی التمثیل:

هستی تو ز عاشقان کویش
بر درگه یار یارگویان
لیکن ز حسد سگان نفست
بر اسب هوا سوار گردی
پس دور شوی ز درگه او
سازند هزار مکر و نیرنگ
چون نفس و هوا شوند مقهور
در مسند وصل جا دهندت
سیراب شوی ز جام وحدت
سردفتر کائنات گردی
در هر دو جهان شوی نکونام

افتاده ز جان به جستجویش
چون تشنه زلال وصلجویان
چون حرص و هوا و آز و شهوت
با شهوت و حرص یار گردی
بر جانب غیر او نهی رو
تا اسب طلب تو را شود لنگ
از صحبت تو شوند مهاجور
وز جام لقا بقا دهندت
مخصوص شوی به وصل و قربت
مجموعه باقیات گردی
کاین است سلوک را سرانجام (همان: ص ۱۶۲)

تأثیرپذیری از گلستان سعدی

«گلستان سعدی مورد تقلید بسیاری از نویسندگان بعد از وی قرار گرفت از جمله بهارستان جامی، روضه خلد مجد خوافی، پریشان قالی و منشآت قائم مقام فراهانی» (انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رزمجو: ص ۱۵۵). برر سی نظیره‌های گلستان نشان می‌دهد توجه بیشتر مقلدان به ظاهر و ساختار گلستان یعنی آمیزه نظم و نثر معطوف بوده و هرگز نتوانستند کتابی همسنگ گلستان تألیف کنند، زیرا سبک و زبان سعدی ویژگی‌هایی داشته که مقلدان از درک آن عاجز بوده و هرگز به مقامش دست نیافته‌اند. سعدی، در توصیف کلام خود به ایجاز می‌گوید: «غالب گفتار سعدی طرب‌انگیز است و طیبیت‌آمیز» (گلستان، باب هشتم). ملک‌الشعرای بهار معتقد است: «[سعدی] صورت هر حکایت را به نثر و نظم چنان آراسته است که هیچ یک نپذیرد ز یکدیگر نقصان» (سبک‌شناسی، بهار، ج ۳: ص ۱۲۸).

بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین بلحاظ ساختار، نظیره‌ای همچون گلستان سعدی است. شباهتهایی بین دو اثر از نظر ساختاری وجود دارد از جمله: انتخاب عنوان کتاب که برداشتی است از دو کتاب بوستان و گلستان. آمیختگی نثر و نظم، تبویب اثر، و بیان موضوعات اخلاقی و حکمی در قالب حکایات کوتاه. سادگی در کاربرد صناعات ادبی، بهره‌گیری از قرآن و حدیث به شیوه درج، استفاده بجا و متعارف از انواع سجع و دیگر صناعات ادبی.

متن اثر غالباً مسجع است، اما دشواریهای لفظی ندارد و به همین دلیل درک مفاهیم حکایاتی که درونمایه عرفانی دارند، دشوار نمی‌نماید. نگاه زین‌العابدین به نثر مسجع و دیگر صنایع ادبی، نگاهی هنری و ادیبانه و خلاقانه است و بر پایه معیارهای فصاحت و بلاغت شکل گرفته و این موضوع میتواند از محاسن و جنبه‌های موسیقایی و زیباشناسی اثر باشد.

نمونه‌ای از نثر کتاب

«افتتاح و اختتام این ابواب و فصول، در فصلی بود که بستانی بی دهان در خنده و ابری بی دیدگان در گریه بود و گلستان رزمه گل و ارغوان باز کرده و عندلیب گوشه رباب تاب داده، لمؤلفه:

مه‌نوروز و فصل دولت گل شده منطبق‌سرا در باغ، بلبل
به سنبل گشته واصل نافه چین به بلبل گشته مایل برگ نسرین
نهان گنج زر اندر کاخ گل بود هزاران غنچ اندر شاخ گل بود»
(بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین: ص ۱۰).

این نسخه می‌تواند بعنوان نمونه‌ای از آثار کهن و ارزشمند زبان و ادبیات فارسی مربوط به سده نهم هجری مورد بررسی محتوایی و سطوح مختلف سبک‌شناسی قرار گیرد تا لایه‌های پوشیده‌ای از شیوه نگارش و هنرنمایی نویسنده برای علاقه‌مندان و پژوهشگران آشکار گردد.

سبک‌شناسی

رتوریک یا فن بیان و هنر سخنوری، در نظر قدما تقریباً همان چیزی است که ما امروزه سبک‌شناسی مینامیم. در زبان فارسی اصطلاح سبک‌شناسی را نخستین بار محمدتقی بهار برای عنوان کتاب خود یعنی سبک‌شناسی نثر در سال ۱۳۳۰ شمسی بکار برد. «در زبانهای لاتین style به معنی سبک از ریشه stilius است (سبک‌شناسی نظریه‌ها، فتوحی: صص ۳۳-۳۴). زبانشناسان معتقدند سبک «به شیوه کاربرد زبان در یک بافت معین، بوسیله شخص معین برای هدفی مشخص گفته میشود» (لیچ، ۱۹۸۱). از منظر دیگر سبک ادبی، نگرشی احساسی و مختل به جهان درون و بیرون است که با زبانی احساسی و تصویری بیان میشود (کلیات سبک‌شناسی، شمیس: ص ۱۱). در اینجا به برخی از ویژگیهای سبکی و محتوایی اثر اشاره میشود.

سطح زبانی

سده‌های هفتم و هشتم هجری، کاربرد لغات و ترکیبات عربی بویژه در آثار علمی و عرفانی، بدون قیدوبند معمول می‌شود و جای واژه‌های دری را میگیرد و حتی این تغییرات در قواعد ترکیبی و دستوری فارسی هم راه می‌یابد. «در قرون هشتم و نهم هجری میزان استفاده از کلمات و ترکیبات عربی افزایش یافته و بتدریج قالب معینی از عبارات، ترکیبات و جملات خاص رایج میشود» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۲: صص ۱۱۵۶-۱۱۵۵).

الف) سطح آوایی

سطح آوایی یا موسیقایی، متن را از لحاظ ابزار موسیقی‌آفرین بررسی میکند (کلیات سبک‌شناسی، شمیس، ج ۲: ص ۱۵۳). هنگامی که از سطح آوایی یا موسیقایی متن سخن می‌آید، باید از صنایع ارزشمندی سخن گفت که بر زیبایی و تأثیرگذاری کلام می‌افزایند. نویسنده از آرایه‌ها به مقتضای موقعیت متن، برای دلنشینی و تأثیر کلام و التذات ادبی در خواننده در حد معقول و بر پایه معیارهای فصاحت و بلاغت استفاده کرده است. وی از انواع سجع، جناس، هم‌حروفی در حوزه بدیع لفظی و از تلمیح، تشبیه و ایهام در بدیع معنوی بهره بیشتری برده است که در باب اول با توجه به تنوع موضوع و فصول دهگانه استفاده از آنها کاربرد بیشتری دارد. این اثر قلمی گرچه تقلیدی از نویسندگان گذشته است اما نگارش آن، هنرمندانه و ادیبانه است که مصداقهایی از این صنایع در اثر ذکر خواهد شد.

ب) سطح لغوی

استعمال لغات عربی

نویسنده عبارات عربی، آیات و احادیث را در کنار جمله‌های فارسی به اقتضای موضوع و بیشتر در راستای بیان اندیشه‌های دینی و عرفانی به شیوه‌ی درج بگونه‌ای آورده که اختلاف و دوگانگی زبان در متن، کمتر احساس می‌شود. «القصه بر حسب تقدیر و اراد الله رجوع بمرجع اصلی **الکاتب حبیب الله** نمودم و دست رجا در ذیل **رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا** زدم و دل در توشه **اللَّهُمَّ افْتَحْنَا بِي رِزْقًا** بستم و پای قناعت در کنج انقطاع **مَنْ انْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ كَفَاءُ اللَّهِ كُلَّ مَثُونَةٍ، وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ** کشیدم» (بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین: ص ۶).

کاربرد صورت کلمات و اصطلاحات عربی

گاهی کلمات و اصطلاحات عربی به رسم‌الخط عربی می‌آید که این موضوع در متن و معرفی ابواب سه‌گانه کتاب کاملاً مشهود است از قبیل «الدَّوْلَةُ السُّلْطَانِيَّة، مَدْمَةُ الْبُخْلَاءِ وَ عِقَّةُ النَّسَاءِ (همان: ص ۱۵) // باری عَزَّ اسْمُهُ (همان: ص ۴) // وَبِاللَّهِ التَّوْفِيقِ وَ عَلَيْهِ التَّكْلَانِ (همان: ص ۷) // بر کنگره قصرِ اِرْجَعِي اِلَيَّ رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَةً أَشْيَانَهُ اِنْدَاخْت (همان: ص ۳۴).

تورا وعده لا تُقْبَلُوا بِاُمَمٍ
مرا چیست این غصه و درد و غم (همان: ص ۱۶).

کاربرد کلمات با مفاهیم عرفانی

«بعد از آنکه ابراهیم ادهم دست همت بر اسباب سلطنت افشاند و به قدم توبه و اخلاص، مرکب در وادی معرفت راند؛ در اثنای طلب در زمین مکه او را دیدم (همان: ص ۲۶).
ملاحظه و بررسی بسامد واژه‌ها نشان می‌دهد برخی از کلمات پرتکرار در فصول هفده‌گانه کتاب، مربوط به عرفان و مفاهیم عرفانی است؛ از قبیل زهد، توبه، طاعت، طلب، اخلاص، معرفت، کرامت، عفت، قناعت، ریاضت، وادی و همچنین واژه‌هایی مانند حق با تکرار ۱۷۳ / جان ۱۷۱ / دنیا ۶۶ / شیخ ۹۴ / نفس ۷۶ / حضرت ۷۴ / عاشق ۴۰ / آتش ۴۰ / عشق ۳۸ / هوا ۳۵ / از دیگر لغات پربسامد و کلیدی متن بشمار می‌روند و به نوعی بیانگر تمایل نویسنده به آوردن لغات خاص در مباحث عرفانی است.

ج) سطح نحوی

متن نسخه ساده و به دور از هرگونه ابهام و پیچیدگی لفظی است. کاربرد جملات کوتاه، استفاده از افعال ساده، رعایت ایجاز و اختصار، پرهیز از کاربرد لغات دشوار، دقت در گزینش کلمات، آرایش و چینش دقیق آنها براساس محور همنشینی و جانشینی زبان، رعایت اجزای جمله، استفاده بجا از ترکیبات بدیع، دوری از هرگونه تکلف و تصنع، از محاسن دیگر و شاخصه‌های ارزنده زبانی و قابل تأمل در این اثر است.

برخی از ویژگیهای نحوی و رسم‌الخط

کاربرد جملات کوتاه و مقطوع

عبارات، کوتاه آورده شده، شبیه به آنچه در نثر مرسل می‌آید: «شیخ دست بر سر زد و عمامه ببنداخت و جبهه بدرید و خرقة پاره ساخت و چندان بگریست که از پای درافتاد و بیهوش شد» (همان: ص ۶۹).

«گفتم: کجا میروی؟ گفت: به زیارت دوستی میروم. گفتم: این کرامت که تو راست چرا نگویی تا او را نزد تو آورند؟ گفت: جهت آنکه ثواب مرا باشد، سبق گرفتیم» (همان: ص ۱۱۸).

رعایت اجزای جمله

نویسنده اغلب برای فهم بیشتر عبارات، ارکان جمله را در جای اصلی خود قرار داده است: «طرّار معاودت نمود و به مسجد باز درآمد هنوز شیخ در نماز بود و ردا بر کتف شیخ افکند و باز پس آمد به کنجی نشست تا شیخ از نماز فارغ شد. طرّار با دل افکار پیش رفت و به شیخ سلام کرد و در پای شیخ افتاد و گفت: خطا کردم و بد کردم و ندانستم» (همان: ص ۷۲).

کاربرد انواع «ی»: مجهول، بیان، شرط، تمنا، استمرار و رؤیا

گر ز باغت برگ ناری خوردمی
به بدی ز آتش هزاری خوردمی (همان: ص ۵۰).

«راحله بر وی نهادمی و تا مکه بر پشت وی رفتمی» (همان: ص ۴۳).

«وقتی که خواب بر او غلبه کردی یک ساعت سر به زانو نهادی برخاستی و به خدمت حق تعالی قیام نمودی» (همان: ص ۳۶).

کاربرد "همچه" بجای "همچو"

خاطرش همچه بحری اندر شرع / راسخ اصل بود و شامخ فرع (همان: ص ۸۰).

خاصّه در عالم معاینه‌اند / همچه سیماب رو آینه‌اند (همان: ص ۱۰).

کاربرد الف ممدود بدون مدّ

«مالک دینار گوید: که از استماع این سخن چندان بگریستم که بجای اشک نمک اب از چشمهای من بیرون آمد و بعد از آن ابواب ارزو بر نفس خود مسدود گردانیدم» (همان: ص ۶۲).

کاربرد حرف «ک» بجای «گ» با یک سرکش در تمامی نسخه

به سنبل کشته واصل نافه چین / به بلبل کشته مایل پرک نسرین (همان: ص ۱۳).

«گفتم: درد کناه را علاج دانم. گفت: بیان کن تا چگونه است» (همان: ص ۲۱).

سطح ادبی

کاربرد مقولاتی چون صور خیال لازمه هر اثر ادبی است. «سروده‌های زیبا، زبان را تعالی میبخشد پس هنر همه سخنوران آن است که به زبان زیبایی بخشند» (بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار: ص ۱۹).

زین‌العابدین برای آرایش و جذّابیت اثرش با بهره‌گیری از سجعهای متوالی و دیگر صناعات ادبی، با ایجاد تنوع در مضامین و درعینحال ساده به سیاق شیخ اجل به هنرنمایی پرداخته است. آرایه‌های شاخص در اثر انواع سجع، تشبیه بویژه تشبیه بلیغ است که بسامد بالایی دارد.

«باشد که بهار الوهیت از مَهَبِّ عنایت مُمَوِّج گردد و کشتی شکستگان تندباد معصیت را از گرداب حیرت به ساحل مغفرت اندازد و آن در اثنا به کرشمه احسان به حال این پریشان پردازد و از قطره زلال نوالِ مرحمت بی‌نصیب نسازد» (همان: ص ۵).

«در اثنای طواف آن پسر را دیدم. ضعیف و نزار و چون نرگس مخمورش بیمار و بی تیمار، رخسار گلنارش چون زعفران اصفر، جعد مشکینش از پریشانی بی پا و سر، قامت چون سروش از تندباد ریاضت منحنی گشته و انگشت‌نمای اقصای و ادانی شده. گلیم‌پاره‌ای بردوش انداخته طواف میکرد» (همان: ص ۲۴).

صنایع ادبی، مانند سجع، توازن، تمثیل، مراعات نظیر، تلمیح، تشبیه، کنایه، و تنسیق الصفات از جمله صنایعی است که در آثار عرفانی بکار رفته است» (تاریخ تطوّر نثر فارسی، بهار: ص ۲۴).

نمونه‌هایی از کاربرد آرایه‌های ادبی در بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین

سجع و انواع آن

- متوازی

«برخاستم و گفتم ای مغرور مهجور و ای به غفلت و خویشتن پروری مسرور» (همان: ص ۵۷).

«ملکی بود از لباس ایمان عور و از زمره اسلامیان دور» (همان: ص ۵۱).

«پادشاهی که ذات او از مناسبت زمان و مکان مبرا است و صفات جلال او از مقارنت حدوث و امکان معرّا» (همان: ص ۱).

- متوازن

«حمد و ثنایی که اوراق اغصان و اشجار بساطین قلوب عاشقان با شمار آن بیمقدار نماید و شکر و سپاسی که اطباق ازهار ریاحین چمن صادقان با مقدار آن در شمار نیاید» (همان: ص ۱).

«و درود وفور و تحیات نامعدود بعدد شهور و ایام و خطوط و ارقام بر رو ضه مطهر و تربت معطر خواجه کائنات و خلاصه موجودات، سید انبیا و قافله‌سالار اولیا» (همان: ص ۲).

«جوانی به غایت پارسا با بشر حافی طریق مصاحبت داشت. خضر - علیه السلام - گفت: جوانی به صلاحیت مشهور و به عفت معروف مینماید» (همان: ص ۵۱).

- مطرف

«من تو را به عبادت خدای ترغیب میکنم و به طاعت و بندگی حق ترحیب مینمایم» (همان: ص ۵۷).

«طبع نامستقیم، او را نافع و ناجع نباشد» (همان: ص ۲۰).

«از امیرالمؤمنین علی‌بن ابیطالب - صلوات الله و سلامه علیه - سؤال کردند که با وجود آن که همه روز همت به اصلاح مهمات مسلمانان مصروف میداری و همم عالی به نظم امور جمهور، معطوف میفرمایی، لحظه‌ای بر بستر خواب آسایش مینمایی؟» (همان: ص ۳۲).

واج‌آرایی (همحروفی)

«این نوع تضرع مینمود و زار زار قطرات عبرات بر صفحات و جنات می‌افشاند» (همان: ص ۶۵).

«امروز که زمام اختیار در کف کفایت توست اگر کاری نکنی فردا فریاد و احسرتا علی ما فرطت فی جنب الله، چه سود دارد و چه فایده کند» (همان: ص ۲۳).

خاک راه توست بر بادش مده آتش تشویر بر جانش منه (همان: ص ۳).

صفت شمار (تنسیق الصفات)

«هر که را آموزش روزگار و تعلیم چرخ کج‌رفتار نرم و دانا و عاقل و بینا نکند، ادویه نصایح حکما او را نافع نباشد» (همان: ص ۲۰).

«کفار خاکسار، روی به هزیمت نهادند و اسلامیان، مغتنم و مبتهج و مسرور متفرق شدند» (همان: ص ۱۵۰).

تلمیح

تلمیحات بکاررفته در اثر بیشتر از نوع تلمیحات قرآنی - دینی است؛ مانند تلمیح به آیات، داستانهای قرآنی، احادیث و اشاره به نام پیامبران از جمله: خضر نبی (ع)، سلیمان (ع)، نوح (ع)، یوسف (ع)، محمد (ص)، موسی (ع)، عیسی (ع)، یعقوب (ع) و شخصیت‌های دین‌آور چون مانی و اشاراتی به اصحاب کهف، کوه طور، اسکندر و آب حیات شده است.

«تا آنکه او را دعوتِ اِرجعیِ اِلیِ ربِّک در رسیدن بر بالین وی نشسته بودم» (همان: ص ۶۶).

«مقصود آفرینش افلاک و مشرف به تاج لولاک، خلاصه اصفیا، محمد مصطفی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ و عَلٰی آلِهِ اَجْمَعِينَ که حامل لوای رسالت و امین اسرار و شغل نبوت است» (همان: ص ۳).

نویسنده گاه تلمیحات را بصورت تشبیه بکار برده است: «منزهی که اوهام بشری و افکار اسرار ملکی به گنه ذات و اسرار صفات او محیط نشود و از تجلی نور معرفت او طور موسی مضطرب گردد» (همان: ص ۲).

بی خبر بُد شیخ میشد همچو باد / از قضا چون یوسف اندر چه فتاد (همان: ص ۴۰).

نیز: ر.ک: (اصحاب کهف، ص ۳ / خضر، ص ۵۱ / عیسی، صص ۸۲، ۷۷، ۲۱ و ۱۳۸ / سلیمان، ص ۱۱۲ / ابراهیم، صص ۱۲۷ و ۸۶ / اسماعیل، ص ۱۴۰ / آب حیوان، ص ۱۳۷ / گنج قارون، ص ۸۸).

تضاد و مقابله

ویسنده، مقابله‌ها را بشکل ساده اما زیبا بکار برده است.

ظلمت او خوبتر از روشنی است	دیده که او لایق آن روی نیست
زندگی روح تو در مردگی است	روشنی دیده در افسردگی است

(همان: ص ۱۳۱).

کنایه

کنایه‌ها بیشتر از نوع کنایه از فعل یا مصدرند.

«بعد از ساعتی مرغ روحش قفس قالب تهی ساخت» (همان: ص ۳۲). «بر کنگره قصر اِرجعیِ اِلیِ ربِّک راضیه مَرَضیه آشیانه انداخت» (همانجا). مفهوم کنایه هر دو جمله «مردن» است.

«مردم از کشتی بیرون آمده و چهره بر خاک میمالیدند و سجده شکر حق به تقدیم میرساندند» (ص ۹۷). کنایه از: شکرگزاری.

«وجود از این سرای فانی بازپرداخت» (همان: ص ۳۳). کنایه از مُردن

«چون شب درآمد و جهان تاریک شد از جوانب افاعی و حیات در حرکت آمدند دلم از جای بشد» (همان: ص ۳۹). دل از جای شدن: کنایه از ترسیدن.

«از این سخن روی در هم کشید، پیر را در کنار گرفت و در بر پیر جان تسلیم کرد» (همان: صص ۵۲ و ۵۳). روی در هم کشیدن: کنایه از ناراحت شدن / جان تسلیم کردن: کنایه از مردن

سایر کنایات

سراچهٔ دون: کنایه از دنیا (همان: ص ۵۲). دارالقضا: کنایه از آخرت (همان: ص ۳).

استعاره

«این آرایه [استعاره] زمانی موجب آرایش کلام می‌شود که بر لطافت کلام بیفزاید و بعید نبوده، مطبوع طبع خواننده باشد» (حدائق السحر).

اغلب استعاره‌های این اثر از نوع مصرحه هستند.

«در اثنای طواف آن پسر را دیدم، ضعیف و نزار و نرگس مخمورش بیمار و بی تیمار» (همان: ص ۲۳).

«گریان از پیش آن ماه تابان بازگشتم» (همان: ص ۱۴۹).

همه بهر آن سرو نوخاسته / به دل گشته محزون و جان کاسته (همان: ص ۱۵۱).

به ترتیب استعاره از چشم، زیبارو، یار و معشوق است.

تشبیه^۱

تشبیه و انواع آن در این اثر بسامد بالایی دارد و اغلب تشبیهات حسی به حسی و نتیجه تأملات و دقت نویسنده در محیط پیرامون برای آفرینش تصاویر بدیع است.

تشبیه مرکب

حکمت او در نگار سبز گرفته / همچو عروسان سبز سرو چمان را (همان: ص ۱).

تشبیه تفضیل

به تندی ز باد صبا تیزتر / به جستی ز آهو سبک‌خیزتر (همان: ص ۱۴۶).

تشبیه بلیغ

نویسنده از تشبیه بلیغ که رساترین، زیباترین و خیال‌انگیزترین نوع تشبیه است، بوفور استفاده کرده است.

از جمله: «مرغ روحش از زندان تن بر قصر جنان آشیان انداخت» (همان: ص ۹۷).

نیز (ر.ک: شربت مناهی، ص ۷۲ / کسوت معاصی، ص ۱۷۷ / تنور احسان، ص ۱۰۸ / صابون استغفار، ص ۲۱ / گرداب

حیرت، ص ۵ / کان فتوت، ص ۸ / جویبار فضیلت، ص ۱۴۳ / ساحل مغفرت، ص ۵ / جام غرور، ص ۱۲ / آتش تشویر،

ص ۳ / خوانچهٔ دنیا، ص ۶۸).

مبالغه

۱. شفیع کدکنی معتقد است تشبیه از روشنترین و آشکارترین مباحث بلاغی است و میگوید «بیجا نیست، نویسندگانی مانند «مبرد» و «ابو هلال عسکری» دربارهٔ اهمیت تشبیه گفته‌اند: «هیچ ادیبی از آن، بی‌نیاز نیست» (صوخیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۴۵).

زدی چون قدم بر زمین تیز تیز / شدی سنگ زیر سُمش ریزریز (همان: ص ۱۴۶)

«خروش و نوحه و فغان از مسلمانان به کیوان رسید» (همان: ص ۱۵۰).
آن جوانبخت جهانبخش که از هیبت او / باد بر غنچه نیارد که کند پرده‌دری (همان: ص ۷).

مراعات نظیر

«کشتی شکستگان تندباد معصیت را از گرداب حیرت به ساحل مغفرت اندازد» (همان: ص ۵).
«در سر با تجلی حضرت الوهیت عشق میبخت و پنهان در طاس شوق حق، مهره نرد درمیباخت» (همان: ص ۵۱).

ایهام تناسب

روز و شب در ترک طاعت خو گرفت / چین ز شام کفر در ابرو گرفت (همان: ص ۳۳).
محور ایهام: ۱- کشور چین، ۲- چین و چروک/کشور چین با شام و کفر از سوی و چین و چروک در ابرو انداختن از سوی دیگر دایره تناسبی میسازد.

انواع همگونی (جناس)

جناس تام

«امروز روزی است که فردا ندارد و تا قیامت روزی بدین لطافت روزی تو نخواهد شد» (همان: ص ۳۶).

جناس هم‌ریشگی (اشتقاق)

این چه حال است این چه سر است این چکار / این چه طالب این چه مطلوب است و یار (همان: ص ۴۲)
«حضرت شاهزاده جهان باسط بساط امن و امان مرکز اساس اسلام و ایمان» (همان: ص ۷).
تو لطف نما و مرحمت کن / هستی تو کریم، مکرمت کن (همان: ص ۷۲).

جناس افزایشی

دست زد در پای شیر با وقار / تا برون آمد از آن چاه چو قار (همان: ص ۴۱).
«دست از دامن طلب ندارند تا به مطلوب حقیقی رسند» (همان: ص ۱۲).
در مسند وصل جا دهند / وز جام لقا بقا دهند (همان: ص ۱۶۳).

جناس خط

«گفتند: ای شخص گمان بد مبر که این مقتول خلق نیست و مقبول حق است» (همان: ص ۲۹).
«گفت: زبان از بیان و بنان از ترجمان اظهار این معانی قاصر است» (همان: ص ۵۷).
چون تو نخوری فریب ایشان / هرگز نشوی فریب ایشان (همان: ص ۱۶۱).

جناس مضارع

«ابراهیم ادهم منصب تخت و رخت را وداع کرد» (همان: ص ۴۸).
نیز (ر.ک: غیب و ریب، ص ۴۱ / کافی و حافی، ص ۵۰ / رزم و بزم، ص ۱۷۱ / گنج و غنج، ص ۱۲).

جناس لفظ

آن حُسن ترکان چین و ختا / چو دیدم فتادم به فکر خطا (همان: ص ۵۴).

سطح فکری و محتوایی

آثار ادبی در هر قالب و شیوه‌ای می‌توانند نمودی از اندیشه‌ها و افکار پدیدآورندگانشان باشند. از این دست آثار، در ادب فارسی بسیار یافت میشوند که صرف نظر از موضوع اصلی سخن، صاحب اثر در آن به بیان اندیشه و تفکرات خود پرداخته است. توجه به معارف اسلامی و عرفان در آثار سده‌های هفت، هشت و نه کاملاً مشهود است. «قرون هفتم، هشتم و نهم دارای وجوه مشترک خاصی است که بارزترین نمود درونگرایی با مختصه فکری، عرفان است و در این دوران اشاره به معارف اسلامی گسترده‌تر میشود» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۷۱).
قرن نهم هجری از نظر فکری، ادامه دوره مغول است و زمینه‌های تاریخی برای رواج عرفان و تصوف مهیا است و نظام خانقاهی و خانقاه‌نشینی رواج خاصی دارد. «آثار سده نهم از نظر فکری همانند دوره مغول بر باطن‌نگری و درون‌بینی و روحیه دنیاستیزی حاکم است» (سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی: ص ۲۲۲).
علاقه شاهزادگان تیموری به شعر و هنرهای ظریف و کتابت از جمله دلایل رواج و رونق ادب فارسی در قرن نهم است. شاهزادگان تیموری به سبب همنشینی با ایرانیان، خوی مغولی خود را تا حد زیادی از دست داده بودند و بیشتر آنان با شعر، خط و تذهیب و سایر هنرهای ظریف انس داشتند. شاعرپروری و هنردوستی شاهزادگان تیموری، باعث رواج شعر و نقاشی و هنرهای مربوط به کتابت شد که پیشرفت همه این هنرها در عصر صفویه مدیون علاقه و تلاش شاهزادگان تیموری است (همان: صص ۲۰۶-۲۰۹).

مؤلف با تأسی به شیوه رایج، کتابش را با ستایش خداوند، نعت و منقبت پیامبر (ص)، ذکر ویژگیها و سیره ائمه (ع)، و تمجید دو تن از سلاطین عهد تیموریان آغاز میکند. این نسخه جلوه‌هایی از عرفان و جهان‌بینی، اعتقادات و تفکرات نویسنده را نمودار ساخته و چنین مینماید که زین‌العابدین با عرفان و مسلک عرفا و سلوک آنها آشنایی داشته و رگه‌هایی از آموزه‌های عرفانی را در اثرش پدیدار ساخته است. اشاره به فواید و اثرات توبه، توکل بر خدا در همه امور، بی‌اعتنایی به دنیا، ترک دنیاخواهی، اخلاص، سخا و مذمت بخل، کسب روزی حلال، عفو و مکارم اخلاق از دیگر مضامین این دست‌نوشته است.

تفکرات نویسنده ناشی از عرفان و موضوعات حکمی است. عنوان، فصول و موضوعات این کتاب بر پایه مبانی عرفانی شکل گرفته و سلوک عرفا و گرایشهای فکری آنها در قالب حکایاتی زیبا و کوتاه به شیفتگان و رهروان این مکتب عرضه شده است؛ دوری از تعصبات قومی و مذهبی، نشر اخلاق و تربیت جامعه به شیوه پند و اندرز، توجه به عامه مردم، ارتباط افراد با یکدیگر، آمیختگی اصول و معتقدات دینی با اخلاقیات و امور جامعه، اعتقاد به سرنوشت و مشیت الهی و فطرت انسانها در این اثر تأمل‌برانگیز است.

نویسنده توفیق نگارش کتابش را تقدیر الهی و اراده خداوندی در سایه عنایت دو تن از سلاطین ادب‌دوست تیموری میدانند. این نسخه مجموعه گرانمایی از اطلاعات گوناگون در خصوص مرام و مسلک عرفا و بزرگانی است

که سالها در راه سلوک و عرفان گام برداشته و عمر خود را در راه تزکیه نفس و تربیت مریدان و پیروان خود صرف کرده و با رفتار عملی خود سعی داشته الگویی مناسب برای مریدان و طالبان حق و حقیقت باشند. نگارنده با نبوغ ادبی خود کو شیده میان تفکرات عارفانه خود با اندیشه‌های بزرگان و عارفان که محتوای فکری این اثر را تشکیل می‌دهد، پیوند برقرار کند و در قالب حکایاتی عبرت‌آموز که سرشار از مفاهیم اخلاقی و تربیتی است، آموزه‌های ناب عرفانی و دینی را با جنبه‌های ادبی همراه کند تا بر ارزش ادبی و جذابیت اثرش بیفزاید.

نتیجه‌گیری

در میان گنجینه‌های کهن ادب فارسی، آثار فراوانی یافت می‌شوند که هنوز نا شناخته و مغفول مانده‌اند از جمله: نسخه‌خطی ارز شمند بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین اثر زین‌العابدین شیروانی مربوط به سده نهم هجری. مطالعه و بررسی اثر نشان می‌دهد مؤلف در نگارش اثر تحت تأثیر مولانا و سعدی بوده و کتابهای ادبی قبل را از نظر گذرانده تا با تأسی به این دو کتاب ارزنده، گلستان سعدی بلحاظ مسائل متعالی تربیتی و اخلاقی و مثنوی بدلیل مضامین ناب عرفانی، به بیان سلوک عارفان و منبش بزرگان در قالب حکایاتی زیبا و کم‌نظیر پردازد. مضمون و محتوای کتاب، عرفانی و تعلیمی است اما از لحاظ ساختار و ویژگیهای ادبی، تبویب، تلفیق نظم و نثر و حکایت‌گویی به طرز گلستان سعدی فراهم آمده است.

متن اثر، با عبارات سنجیده، دلنشین، آهنگین و سرشار از مفاهیم ادبی شکل گرفته و غالب نثر کتاب ساده و روان است و ویژگیهای نثر مرسل در آن دیده می‌شود به همین دلیل، فهم عبارات دشوار نیست. واکاوی صور خیال در اثر نشان می‌دهد که در باب نخست با توجه به تنوع فصول دهگانه، انواع سجع و تشبیه و بویژه تشبیه بلیغ، بسامد بالایی دارد و مؤلف هرگاه کلام به او مجال داده از آنها در جای جای سخنش بهره برده اما در دو باب دیگر کاربرد صناعات ادبی اندکی کم‌رنگتر شده و همین موضوع نثر وی را به مرسل نزدیکتر کرده است. تشبیهات بکاررفته در متن اغلب حسی به حسی است و رعایت این ویژگی مؤلف را به شیوه تصویرآفرینی شاعران و نویسندگان سبک خراسانی نزدیک کرده است. وی همچنین از دیگر صناعات ادبی در نگارش اثر استفاده کرده که بیشتر لفظی هستند.

زین‌العابدین اشعاری از سروده‌های خود را به فراخور موضوع، ضمن حکایات به سبک گلستان آورده که با ذکر «مؤلفه» شاخص شده است و از دیگر امتیازات ادبی اثر بشمار می‌رود. وی از آیات و احادیث به شیوه درج در کلامش سود جسته و سخن را بدان آراسته است. متن نسخه شامل یک دیباچه، سه باب، هفده فصل و یکصد حکایت است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان استخراج شده است. سرکار خانم دکتر مریم محمودی راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده

داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای ابراهیم جانی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر پریسا داوری و آقای دکتر حسین آقاحسینی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنمایی‌های تخصصی، نقش مشاوران این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر چهار پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان و هیئت داوران پایان نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- The holy Quran.
- Bahar, M. (1994). *Stylistics*. Vol3. Tehran: Amirkabir, p.128.
- Bahar, M. (2001). *History of Persian prose evolution*. Tehran: Amirkabir, p.24.
- Fotoohi Roodmaajani, M. (2013). *Stylistics of theories, approaches and methods*. 2nd ed. Tehran: Sokhan, pp.33-34.
- Gholamrezaee, M. (1999). *Stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shamlou*, Tehran: Jami, p.222.
- Leech, Geoffrey. N. and M. Short. (1981). *Style in fiction: A Linguistic Introduction to English Fictional Prose*. Longman.
- Razmjoo, H. (1995). *Literary types and their works in Persian language*. 3rd ed. Mashhad: Astane Ghodse Razavi, p.155.
- Rumi (2010). *Masnavi-Ma'anavi*. Corrected by Nikson, R. & Abbasi. 20th ed. Tehren: Tolou.

- Sa`adi, M (2005). Golestan. Corrected by Khatib Rahbar. 17th ed. Tehren: Safi Alishaah.
- Safa, Z. (2009). History of Literature in Iran. Vol2. Tehran: Ferdows, pp.1155-1156.
- Shafiee Kadkani, M. (2009). Imagination in Persian poetry. 13th ed. Tehran: Agah, p.45.
- Shamisa, S. (1999). Generalities of style. 5th ed. Tehran: Ferdows, p.3-11, 15, 71.
- Shirvani, Z. (879 Ah). Bostanol Arefin & Goletanol Abedin. Malek library. Manuscript. No. 1/4931. Mashhad: Astan Ghods Razavi.
- Vahidian Kamyar, T. (2000). Innovative from an aesthetic point of view. Tehran: Doostan, p.19.
- Vatvat, R. (1983). Magical Gardens in Poetry Records. Corrected by Eghbal Ashtiani, A. Tehran: Tahoori & Sanaei.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

- انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رزمجو، حسین. (۱۳۷۴). چاپ سوم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، وحیدیان کامیار، تقی. (۱۳۷۹). تهران: دوستان.
- تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۸). جلد دوم. تهران: فردوس.
- تاریخ تطوّر نثر فارسی، بهار، محمدتقی. (۱۳۸۰). تهران: امیرکبیر.
- خداقیق السّحر فی ذقایق الشّعر، وطواط، رشیدالدّین. (۱۳۶۲). تصحیح عباس اقبال آشتیانی. تهران: طهوری و کتابخانه سنایی.
- سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد. (۱۳۸۷). تهران: جامی.
- سبک‌شناسی نثر، بهار، محمدتقی. (۱۳۷۳). ج ۳. تهران: امیرکبیر.
- سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روشها، فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۹۲). چاپ دوم. تهران: سخن.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۸). چاپ سیزدهم. تهران: آگاه.
- کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس. (۱۳۷۸). چاپ پنجم. تهران: فردوس.
- گلستان، سعدی، مصلح‌بن عبدالله. (۱۳۸۴). به کوشش خلیل خطیب رهبر. چاپ هفدهم. تهران: صفی‌علیشاه.
- مثنوی معنوی، مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۹). به تصحیح رینولد الین نیکلسون. با مقدمه محمد عباسی. چاپ بیست‌وسوم. تهران: طلوع.
- نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین، شیروانی، زین‌العابدین. (۸۷۹ ه. ق). کتابخانه ملک. نسخه خطی. شماره ۱/۴۹۳۱. مشهد: آستان قدس رضوی.

Leech, Geoffrey. N. and M. Short. (1981). *Style in fiction: A Linguistic Introduction to English Fictional Prose*. Longman.

معرفی نویسندگان

ابراهیم جانی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

(Email: ebrahim_jni@yahoo.com)

مریم محمودی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

(Email: m.mahmoodi75@yahoo.com : نویسنده مسئول)

پریسا داوری: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

(Email: parisa.davarii@gmail.com)

حسین آقا حسینی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

(Email: h.aghahosaini@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.



Introducing the authors

Ebrahim Jani: PhD student in Persian language and literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

(Email: ebrahim_jni@yahoo.com)

Maryam Mahmoudi: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

(Email: m.mahmoodi75@yahoo.com : Responsible author)

Parisa Davari: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

(Email: parisa.davarii@gmail.com)

Hossein Aghahseni: Professor, Department of Persian Language and Literature, Dehaghan Branch, Islamic Azad University, Dehaghan, Iran.

(Email: h.aghahosaini@gmail.com)